



ایلیا موسایی! گفته بودم اول ایینه‌ها را چک کند بعد تره‌زستانی و بعد دنده‌ها را... بادش نرود کمر بند بسته باشد، حتی به کیلو مترها و این چیزهای دور و برش نگاه کند... اما این کارها را نکرده بود، هیچ کارش را درست و با هیچان پایاهاش را روی دیال تا تنظیم کرد... به رویه‌رو زل زد و وقتی گاز داد ماشین عقب رفت... همین طوری بچه‌ها را بر گرفت... توی بیمارستان مدام می پرسیدند بچه خودتان را زده‌اید؟... بله بچه خودمان... ما موقع تمرین را ندگی بچه خودمان را کشتیم...

یکهو یک بچه می بینم که با سرعت می دود سمت من، مجبور می شوم بنشینم تا نوبت آغوشم بگیرمش ولی همه چیز به یک باره غیب می شود. این معضل من است. تو خیابان های شلوغ وسط جمعیت، توی راه پله ها، روی پیاده رو که نوبت خالی و خلوت، تو آسانسور شرکت... هیچ فرقی نمی کند. همه ها این اتفاق می افتد. همه می بینند که یکهو می نشینم و دست هام را باز می کند. با صورت بنشاش. بعد مثل برق رنگ از صورتم می پرد و متوجه بقیه می شوم که یه زل زده اند. این ها چیزهایی است که با تعریف کرده اند. دکتر راجع به من ها سوال پیچم کرد. بچه ای که می بینم چقدر ندارد. شبیه یک سایه است.

اما می شناسمش مهسااست. خودش است. هیچ نمی گوید. فقط بلند می خندد و سستم می دود. بارها با خود تمرین کرد که دهام که مقافوم کنم تاوقتی است اتفاق افتاد عکس العملی نشان ندادم. اما چیزی نیست که دست خود آدم باشد. باز مثل کسی که تازه از خواب پریده. زمانی به خود می آیم که بقیه دارند نگاه می کنند و من یکهو واکنش نشان داده‌ام. اما از این بدتر. ماجرای مادرش است. هرروز حوالی همان ساعت. تقریباً نزدیک ظهر، زنگ می زند. گریه می کند. به من فحش می می دهد، می گوید تمام این ماجرا تقصیر من بوده. بعد استدلال های جدیدش را رو می کند و بعد از نیم ساعت حرف زدن التماس می کند او را ببخشم. این کار هرروز است. من فقط گوش می دهم. حس می کنم این چیزها تبدیل نم کرده به یک تکه سنگ. ولی تنها کاری که یاد گرفته‌ام همین است. یک بار گفتم. بعد از آن باید پدر، دکتر، از قدر پشت تلفن جیغ زه که آمدند جعشش کردند و تلفن را قطع کردند. هیچ نباید بگویم. فقط باید گوش بدهم. برایم یک وظیفه هرروزه شده. زنگ می زند. گوش می دهم. قطع می کند. هرروز هم باید ببخشم چون آن زندگی الان ازهم پاشیده. دنا خانه مادرش است. مهسا زیر سایه و من تک و تنها توئی خانه‌ای زندگی می کنم که هر یک یک بچه مدام از این طرف به آن طرف می دود. من را از خواب می پراند و نمی گذارد زخم‌هایم التیام پیدا کنند. حالا دیگر دکتر نمی روم. فایده ندارد. مادر و دختر دست از سرم برمی دارند و نمی گذارند خوب شوم. از قدر به این کارشان ادامه داده‌اند به راه دکتر و حرف هایش بی حس شده‌ام. فقط آرام بخش هایم را می خورم. همین. گاهی من تهیای به یکی از این شهر بازی های کوچک می روم که حالا همه جای شهر هستند. می چرخم و بچه‌ها را نگاه می کنم که چطور از خوشحالی جیغ می کنند و با پدر مادر هایشان تفریح می کنند. بازی مورد علاقه من زدن اسکان های شیشه‌ای است. صدای باش‌باش شدن آن‌ها لذت بخش است. وقتی با توپ کوچک به آن‌ها می زنم که به حالت هرم روی هم چیده شده‌اند. دوسه تایی می افتند روی کف سیمانی و ازهم می پاشند. آن‌های دیگر هم تعادلشان را از دست می دهند و روی همان صفحه فلزی تلق تلوق نمی می شوند. دکتر گفته بود به خاطر این است که هنوز با موضوع کنار نیامده‌ام. اینکه فکر زنم و دخترم هنوز رهایم نکرده. گفته بود دوست دارم چیزهایی را ویران کنم. برای همین است که شکستن لیوان ها و اسکان ها را دوست دارم. گفته بود دوست دارم بروم توی شهر بازی ها چون این حس را می دهد که هنوز بچه‌ای دارم که یک جایی از پارک دارد بازی می کند و زنی که احتمالا رفته یک چیزی بخرد. می گفت قرار گرفتن توی این موقعیت به این حس برگشتن به زندگی می دهد. اما حالا دکتر رفتن را قطع کرده‌ام که دیگر از این چرندیات تحویل ندهم. نباید بگذارم حس خوب شکستن و ول گشتن را با حرف هایش خراب کنم. تازه هنوز آن کارهای دیگر را به او نگفتم. اما. اینکه ازهم های شب وقتی خانواده‌ها می خواهند برگردند به خانه هایشان. توی پس کوچه‌ها پناه می گیرم که خفتشان کنم. به خانواده‌های سه نفره بیشتر علاقه دارم. وقتی برق چاقو را می بینند. وقتی بچه کوچکیان را محکم می گیرم و نهدید می کنم که به او آسیب می زنم... خدای می داند اگر این چیزها را بگویم چه حرف‌هایی به تحویل نمی دهد. دلم می خواهد همین بلا را سر خود دکتر بیاورم...

ادامہ دار

۲شنبه  
۴ مهر ۱۴۰۱  
۲۹ صفر ۱۴۴۴  
شماره ۳۷۶۹

SHAH  
인

١٤

|  |  |  |  |  |
|--|--|--|--|--|
|  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |

محمد جواد ابوعطا

## گزارش

**گزارش**

تجمعات و اغتشاشات در شهرهای مختلف کشور از جمله مشهد در یک هفته گذشته در حالی به خشونت کشیده که عواملی پشت پرده تحریک کننده برای افزایش خشونت‌ها بودند. هرچند شهروندان خیلی زود صف خود را از این افراد جدا کردند و جلو سوء استفاده گندگان را گرفتند اما مدیران امنیتی و ساختارهایی به نام امداد دولتی، خودروهایی با امداد رسان و... وارد شد و تلخ‌ترین حادثه نیز شهادت «محمدرسلول دوست محمدی» در مشهد و «مسلم» جاپویدی مهر، از جانب‌نادر دفاع مقدس در شهرستان قوچان بود.

به دنبال این اغتشاشات، فرماندار مشهد در گفت‌وگو با خبرنگار شهر آرا اعلام کرد: نیروهای امنیتی و پلیس با حضور فعال در شهر اقدامات پیشگیرانه‌ای را انجام داده‌اند و مراقبت‌ها تا عادی شدن وضعیت ادامه دارد.

محسن داوڑی، با اشاره به اینکه در مشهد تاکنون تنها یک شهید داشته‌ایم، درباره موضوعیت یک مأمور انتظامی که دچار ۲۵ درصد سوختگی شده بود ضمن تکذیب شایعه شهادت این فرد بیان کرد: خوشبختانه وضعیت این فرد مساعد است و تحت درمان قرار دارد.

نیز گفت: هنوز ارزیابی‌های نهایی صورت نگرفته است و آشوبگران طی شب‌های گذشته چهار خودرو سواری و پنج موتورسیکلت دولتی و خصوصی را در شهر مشهد به آتش کشیده و یا تخریب کرده‌اند.

مهدی قرآنی | انفجار دو خانه مسکونی در مشهد موجب جان باختن و مصدومیت شدید دو شهروند شد.

معاون عملیات سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی مشهد در تشریح جزئیات این دو حادثه گفت: اولین حادثه در منطقه رسالت رخ داد. حادثه‌ای که در آن یک خانه سه‌سکونی در اثر انفجاری شدید تخریب شده بود. به محض اعلام موضوع به سامانه ۱۲۵، بلافاصله مأموران آطفابی به همراه عوامل امداد و نجات از چند ایستگاه آتش‌نشانی به محل اعزام شدند.

مهندس رضایی افزود: با حضور مأموران در خیابان رسالت ۴۰ متخض شد که کانون این حادثه زیرزمین یک خانه مسکونی بوده است که موجود انفجار حجم زیادی از آوار را در این مکان به وجود آورده بود. بنا بر شواهد و ادله موجود احتمال حضور یکی از اهالی خانه مطرح شد و مأموران امداد و نجات آتش نشانی عملیات خود را آغاز کردند. با توجه به حجم زیاد آوار، عملیات مأموران آتش نشانی ساعتی به طول انجام و سرآخر جسد

# وقف مال مشاع

صدای مشاور

**فرماندار مشهد: تعدادی از سردسته‌های اغتشاشگران در مشهد بازداشت شدند**

# شرایط مشهد رو به آرامی است

## گزارشی از وضعیت اغتشاشات در یک هفته سپری شده



می‌شوند. اما اگر سجاد با سورت گرفته سانسایی چند ببینند. امدادرسان نیز زخمی در چهارراه و آجرپس از او برخورد فاصله برای می‌منتقل و د. نش نشان مهم ترین نشانان با آن

هی غیرممکن  
گاه آبولانس  
تتش است.  
نکسینین های  
این میان چهار

در ادامه تعرض به خودروهای متأسفانه دو آتش نشان می‌شوند که یکی از آن‌ها معلم دچار مصدومیت شده شکست شیشه خودرو با گرد می‌کند. این آتش نشانان با درمان به بیمارستان طالقان روز بعد نیز ترخیص می‌شوند.

شهادت  
ش فتنه‌گران،  
مار آتش‌سوزی  
شهادتی برای

مبولانس بسیار سخت و گاهی غیر ممکن است و از سویی هر دستگاه آمبولانس حدود ۵ میلیون دلار تومان قیمتش است.

در باره مضمون شد، تکنیسین های فرانسیس نیز تصریح کرد: در این میان چهار نفر از همکاران ما زخمی شدند. در یکی از این حوادث همکار ما در حال جابه جایی یک بیمار قلبی بوده است که آشنوگن با رتاج آجر شیشه جلو خودرو را شکسته و آجر به شانه همکارمان برخورد می کند که با انتقال این فرد به بیمارستان شان

چهار بخیه می خورد.

خسارت به خودروهای آتش‌نشانان و خمی شدن ۲ آتش‌نشان در مشهد

## خانه خرابی در انفجار مرگ بار ۲ خانه

مردی میان سال از داخل زیر زمین بیرون کشیده شد. این مقام ایمنی سازمان آتش نشانی مشهد ادامه داد: تکنیسین های اورژانس در همان دقایق ابتدایی فوت این مرد ۵۷ ساله را به دلیل شدت صدمات وارده تأیید کردند و جسد با دستور مقام قضایی تحویل عوامل انتظامی شد.

رضایی به میزان خسارت وارده به این خانه مسکونی اشاره کرد و گفت: موج انفجار که ناشی از انتشار گاز شهری در محل بوده است موجب تخریب ۷۰ درصد از خانه مورد نظر شده است. علاوه بر این خانه مسکونی، خانه‌های پشت و مقابل محل انفجار نیز دچار خسارت شدند و بخشی از دیوارهای آن‌ها نیز ترک خورد و پیشه‌هایشان شکست. اگرچه علت حادثه مشخص شد اما محل برای تعیین علت دقیق انفجار در اختیار کارشناسان آتش‌نشانی قرار گرفت و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

● دومین انفجار در حاشیه مشهد  
معاون عملیات سازمان آتش نشانی و خدمات  
ایمنی مشهد با اشاره به دومین حادثه بیان کرد:

رومین انفجار امادریکی از خیابان‌های منطقه نخستن اتفاق افتاد. حادثه‌ای که به محض اعلام به سامانه فوریت‌های ۱۲۵، با فاصله مأموران این سازمان خود را به پنجتن ۸۳ رساندند.

ضایه اماده داد: به حضور مأموران در محل انجام بررسی‌های اولیه مشخص که کانون انفجار طبقه بالای خانه دو طبقه بوده است. حادثه‌ای که بلاشی از این خانه را درگیر حریق کرده و در این بین یکی از ساکنان که نیمی میان سال بود داخل خانه گرفتار شده بود. مأموران ناچگر آتش‌نشانی به به مدد آوردن اطلاعات ناظران عملیات امادری خود را آغاز کردند و هم‌زمان با اقدام اطفایی و پیشگیری

آگاهی نداشته است شریک می تواند این تقسیم را به هم بزند. حتی اگر مال تقسیم شود و بعدها مشخص شود که تقسیم به غلط صورت گرفته است باز هم تقسیم باطل است و این حق برای شریک ناراضی محفوظ می ماند.

نکته حائز اهمیت این است که چنانچه شخصی از وقف کردن اموال خود پشیمان شد در صورتی می تواند از این تصمیم رجوع کند که وقف مال به طور کامل صورت نگرفته باشد و چنانچه قبض و یا تحویل دادن عین مال برای وقف صورت گرفت دیگر امکان رجوع و انصراف از وقف وجود ندارد.

فقط وقف مالی صحیح است که بتوان از آن منتفع شد و فرقی نمی‌کند که آن مال مورد وقف منقول باشد یا غیر منقول، مشاع باشد یا مفروز اما آنجا که مال شامل در بین شرکا به اشتراک گذاشته شده و هر شخص در تمام مال شریک است وقف متین اموالی با مشکلاتی، و بهر روست و باید به بحث افراز و تقسیم در آن پرداخت.

واقع با افراز، سهم هر کدام از شرکا جدا شد و به مالکیت و در می‌آید. آنچه اهمیت دارد این است که حتی اگر بعد از اینکه اموال مشاعی تسیم شدند، مشخص شود که در سهم یکی از شرکا، نقصانی وجود دارد که در زمان تقسیم از آن

زانه عمادی چنانچه شرکی بخواد اموال  
شاع خود را وقف کند تنها می تواند به میزانی  
سهیم دارد، به این امر اختصاص دهد. شریک  
در مال مشاع نمی تواند همه اموال مشاعی را  
وقف کند، در صورت اقدام شریک به وقف همه  
مال مشاع، وقف سهیم دیگر شرکا باطل است.  
برای تصرف و تصمیم گیری در مال مشاع به تنهایی  
مکان پذیر نیست و اگر یک نفر از ذی شفعان و یا  
شریک در سهیم مشاع، در به کارگیری مال برای  
وقف رضایت نداشته باشد وقف امکان پذیر  
نخواهد بود.

**وجه داشته باشید مطابق ماده ۵۸ قانون مدنی**

[illegible]

ادامه دارد